

یادداشت روز

شاد کامی های جشنواره



علی افشار
منتقد سینما

اول: باور کردنی نیست که یک شب ناامیدانه روی صندلی آخر ردیف بالکن برج که برای «خروج اضطراری» انتخابش کرده‌ای، می‌خکوب بنشیننی و خلسه‌وار یکی از بهترین فیلم‌های عمرت را ببینی! اما این «حادثه» امسال رخ داده است. «بخش ویژه» اسم خوبی ست. مثل جلوه‌های ویژه جان می‌دهد به رویدادی مثل جشنواره. این شب‌ها بدون این بخش، جشنواره انگار یک چیزی کم دارد. و باز هم جای شکرش باقی ست که این فیلم‌ها را (با هر نیتی) روی پرده انداختند تا اهل رسانه و نقد و قلم ببینند. می‌گفتند عقیده از سینما مهم‌تر است. آنقدر گفتند که فیلم‌ها پر شدند از عقیده اما دریغ از سینما! فیلم «سیاوش اسعدی» که کارهای قبلی‌اش تلاش‌های قابل قبولی برای خلق سینما بودند، یک نمونه درست در ساخت اتمسفر و مود سینمایی و پرداخت شخصیت و قصه‌گویی و شخصیت‌پردازی و دیالوگ‌نویسی و البته توام با ارجاعات سینمایی است. او با «غریزه» نشان می‌دهد در عجب و غریب‌ترین شرایط هم می‌شود دست از شعار و شتاب و عصبیت برداشت و سر حوصله یک فیلم باوقار و درست و قصه‌گو و البته بی‌نقص و حیرت‌انگیز ساخت. می‌گویند فیلم پروانه نمایش دارد. شاید هم جزئیاتی از آن را بزنند که حیف است.

دوم: امید نداشتیم اما جشنواره امسال چند برگ برنده دارد که آن را از سه، چهار دوره اخیرش، (از سال ۹۷ و دوره کرونا به بعد) بالاتر قرار می‌دهد و این هم شیرین است. این که این شاخص‌ها ربط به دولت‌ها یا تحولات اجتماعی دارد یا ندارد، اهمیتی ندارد. یادمان باشد ما «اسکار» را در دوره‌ای گرفتیم که در ادامه حیات سینما در ایران شک و شبهه وجود داشت. حال این که «غریزه» و «کسانا» و «پریپسر» و «قاتل وحشی» را (فارغ از سال ساخت‌شان) در این دوره ببینیم، از همان محالات ممکن است. درست مثل اوج‌گیری «رسول صدر عاملی» که با پخته‌ترین فیلمش از راه می‌رسد و به یاد یار فقید همیشگی‌اش «کامبوزیا پرتوی» هم می‌تواند فیلم خوب بسازد و از بهترین‌های خودش هم جلو بزند. البته امیدوارم که امسال اسپر سهمیه‌بندی نشود و سیم‌ها را یک‌تنه درو کند. یکی از اتفاقات جذاب امسال جشنواره درخشش فیلم اولی‌هاست که سرآمدشان «محمود کریمی» با فیلم پرائزوی «بچه مردم» است و بعد «حسام فرهمند» با «رها» و چندین فیلم اول امیدوارکننده دیگر. مهم‌تر از این، توجه جالب فیلمسازان ایرانی به نوجوانان است، در حالی که تا همین چند سال پیش، به سختی می‌شد فیلم‌های قابل قبولی دید که در آن به نوجوان‌ها پرداخته شده باشد، اما امسال بین سی و اندی فیلم، روایت‌های درست و جذابی از نوجوانان دیده‌ایم و البته درخشش بازیگرانی که دوره تین‌ایجری را پشت سر گذاشته‌اند و چه خوب است یک سیم‌رغ نوجوان برای این ستاره‌های نوظهور بازیگری (حداقل برای نوجوان‌های فیلم‌هایی که در بخش مسابقه هستند) کنار گذاشته شود.

نگاهی به فیلم سینمایی «ناتور دشت»

ساخته محمدرضا خردمندان

روایتی الکن و بی‌نتیجه



فیلم بر اساس یک رخداد واقعی بهناز وفايي وحدت
ساخته شده است و به لحاظ ضرورت دراماتیک و تشدید حساسیت وقوع این

حادثه، ربودن دختر بچه با وقایع جنبی تزیین شده است. طرح و توطئه و گره افکنی بافته شده در فیلمنامه خوب است و می‌توان گفت فیلم شروع جذاب و پرتعلیقی را در پی دارد. دلهره گم‌شدن یسنا به تندی به مصیبت ربوده شدنش تبدیل می‌شود. سکانس آغازین و قایق ساختن یسنا و عدم توجه پدر به او در مزرعه و دور شدن و سپس دزدیده شدن دختر بچه، ما را متوجه زیرمتن و اشاره فیلمساز به نقش مراقبتی والدین می‌کند.

فیلم بدون ارایه توضیح و دلیل منطقی برای ربودن یسنا توسط آیهان، شروع و تا انتها نیز روشن نمی‌سازد که چرا بایرام، آیهان را اجیر و متقاعد به انجام اینکار می‌کند. این نکته را از دوستان دیگر پرسیدم که میاد با توجه به اتفاق قطع فیلم در سالن مطبوعات، متوجه نشده باشم اما آنها نیز اطمینان دادند که توضیح و ارجاعی در فیلم وجود ندارد.

با شروع فیلم مخاطب در گیر قصه می‌شود و روایت خوب پیش می‌رود تا جایی که با دیدن دختر بچه در زیر اصطبل کاملاً درگیر گره افکنی داستان می‌شویم. بعدتر با قتل مرد کایت‌باز، کشش تشدید نیز می‌گردد. درگیری میان احمد و آیهان هم مضاف بر علت می‌شود و به کشش فیلم کمک می‌کند. شخصیت‌های فرعی فیلم زیاد هستند و این شلوغی عاملی برای ساختن فضای اجتماعی و تزییق حیات در روستا و بعدتر در به تصویر کشاندن همکاری و همدردی مردم ساده‌زیست کمک می‌کند. کاراکترهای اصلی هر کدام زخم و نقی دارند که در فیزیک و رفتارشان مشهود است. این نشانه‌ها رنگ آمیزی و بُعدبخشی آدم‌های داستان را غنی می‌کند. فیلمبرداری نسبتاً خوب و دکوپاژ پر تحرک است. بازی‌ها اما گاه تکراری است. طراحی صحنه و لباس هم به لحاظ همگنی خوب است. سکانس ریختن سیمان بر سر احمد در چاله و بیرون آمدنش از دل مواد سربی پرتعلیق است. صحنه سپردن دختر بچه به خانواده و آن میچاله‌شدن در خود و اندوهش از پی آمدهای بعدی آدم‌ربایی، زیباست. در نهایت اضافه کنم فیلمنامه «ناتور دشت» اگر چه از یک جنایت حقیقی برداشت شده، اما برای مخاطب انگیزه و دلیل مجرمان را توضیح نمی‌دهد و به شکلی می‌توان گفت الکن و روایتی بی‌نتیجه را تصویر کرده است.

جدول امتیاز دهی منتقدان به فیلم های بخش مسابقه جشنواره بین المللی فیلم فجر

منتقدین	نام فیلم	موسی کلیم‌الله	بازی را بکش	صدام	تاکسیدرمی	شهر ستاره	زال و رودابه	پیشمرگ	ماریا
	حسین گیتی	*	*	**	-	***	***	*	-
	فاطمه فریدن	-	**	*	*	-	-	*	**
	حسن لطفی	**	*	*	*	***	***	**	*
	پیمان شوقی	*	***	**	*	-	-	-	-
	محسن سلیمانی فاخر	*	**	*	*	-	**	*	***
	نغمه خدابخش	*	**	*	*	***	*	*	**
	ذبیح اله رحمانی	*	*	*	*	**	***	*	**
	مازیار معاونی	*	**	*	*	-	**	*	-
	وحید فرازان	*	**	***	*	**	***	*	-
	محمد شریعت پناه	*	**	*	*	**	**	*	*
	رضا حسینی	*	***	**	*	-	*	*	*
	ایمان عظیمی	**	**	*	*	*	*	*	*

عالی *****

خیلی خوب ****

خوب ***

متوسط **

بد *